



Imam Sadiq Research Institute

for Islamic Sciences

Research Institute for Political
and Defence Studies

P. ISSN: 2345-5705 & E. ISSN: 2717-3720

Website: <http://ipr.isri.ac.ir>

Autumn 2025 & Winter 2026

The Role of Ayatollah Borujerdi in Confronting the Othering of Takfiri Salafi Discourse in the Islamic World

Naser Pourhassan*

Doi: 10.22034/ipr.2026.557139.2332

Receipt: 2025/11/06 - Revised: 2025/12/4- Accepted: 2026/02/10
(333-360)

Abstract

During the period of the religious authority (marja'iyya) of Grand Ayatollah Borujerdi, Takfiri Salafi discourse was reproduced in parts of the Islamic world. This discourse, rather than concentrating on an external "Other," identified Shi'ism as its primary Other. The purpose of this article is to analyze and explain the manner in which Grand Ayatollah Borujerdi played a soft and structural role in confronting Takfiri Salafi discourse. Accordingly, the main research question of the article is: How did Grand Ayatollah Borujerdi prevent the othering of Shi'ism by Takfiri Salafi discourse? The article's hypothesis is formulated as follows: By drawing upon the Hadith al-Thaqalayn and emphasizing the doctrinal and practical commonalities among the various Islamic schools of thought, Grand Ayatollah Borujerdi, through the idea of rapprochement among Islamic denominations (taqrīb al-madhāhib), prevented the amplification of sectarian differences promoted by Takfiri Salafi discourse against Shi'ism. The outcome of his initiatives-particularly in the field of jurisprudence of rapprochement-was the promotion of coexistence between Shi'a and Sunni Muslims. In this way, through very close relations with the intellectual and religious authority of al-Azhar, the foundations for the othering of Shi'ism by Takfiri Salafi discourse were minimized for several decades.

Keywords: Ayatollah Borujerdi; al-Azhar; Rapprochement (Taqrīb); Shi'ism; Takfiri Salafism



*. Associate Professor of Political Science, Department of Political Science, Ayatollah Boroujerdi University, Na.pourhassan@abru.ac.ir.





پژوهشگاه علوم اسلام صادق

پژوهشگاه مذکور مطالعات سیاسی و دفاعی

P. ISSN: 2345-5705 & E. ISSN: 2717-3720

نشانی پانزده تهر: <http://ipr.isri.ac.ir>

پانزده تهر و زمستان ۱۴۰۴

نقش آیت‌الله بروجردی در مواجهه با دگرسازی گفتمان سلفی‌گری تکفیری در جهان اسلام

ناصر پورحسن*

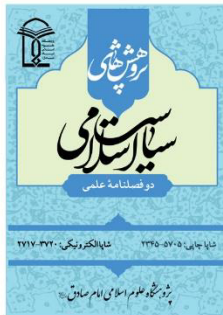
Doi: 10.22034/ipr.2026.557139.2332

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۱۵ - تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۹/۱۳ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۲۱
(۳۳۳-۳۶۰)

چکیده

هم‌زمان با دوره مرجعیت آیت‌الله العظمی بروجردی رحمته‌الله‌علیه، گفتمان سلفی‌گری تکفیری در بخش‌هایی از جهان اسلام بازتولید شد. گفتمان مذکور، به جای تمرکز بر «دگر» خارجی، تشیع را دگر اصلی خود تعریف می‌کرد. هدف این مقاله واکاوی و تبیین چگونگی نقش آفرینی آیت‌الله العظمی بروجردی رحمته‌الله‌علیه در مواجهه نرم و ساختاری با گفتمان سلفی‌گری تکفیری است. از این رو سؤال اصلی مقاله عبارت است از: «آیت‌الله العظمی بروجردی رحمته‌الله‌علیه چگونه مانع دگرسازی تشیع توسط گفتمان سلفی‌گری تکفیری شد؟» فرضیه مقاله این‌گونه صورت‌بندی شده است: «آیت‌الله العظمی بروجردی رحمته‌الله‌علیه با استناد به حدیث ثقلین و برجسته‌سازی اشتراکات عقیدتی و عملی مذاهب مختلف اسلامی، با اندیشه تقریب مذاهب، مانع برجسته‌سازی اختلاف‌نظرهای گفتمان سلفی تکفیری علیه تشیع شدند». نتیجه اقدامات ایشان به ویژه فقه تقریب موجب همزیستی تشیع و اهل تسنن بود و به این صورت بسترهای دگرسازی گفتمان سلفی‌گری تکفیری علیه تشیع را با ارتباطات بسیار نزدیک با مرجعیت فکری - دینی ال‌زهر برای چندین دهه به حداقل رسید.

واژگان کلیدی: آیت‌الله بروجردی رحمته‌الله‌علیه، ال‌زهر، تقریب، تشیع، سلفی‌گری تکفیری.



*. دانشیار علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشگاه آیت‌الله بروجردی،
Na.pourhassan@abru.ac.ir

مقدمه

سلفی‌گری، پدیده‌ای فقهی، سیاسی و حتی راهبردی و ژئوپلیتیکی است که همواره در عرصه‌های گوناگون در درون جهان اسلام و روابط بین‌المللی تأثیرگذار بوده است. سلفی‌گری تحت تأثیر علمای سلفی و مداخله بازیگران خارجی، منقبض و منبسط شده و به‌مثابه یک گفتمان، مدلول‌ها و «دگر»‌های آن متحول شده است. اگرچه سلفی‌گری، در ابتدا روایتی خاص از دین اسلام در مقابل روایت‌های دیگر و درون دینی بود اما با مواجهه جهان غرب با جهان اسلام، در مقاطعی به عنوان واکنشی در برابر غرب مدرن بازتولید می‌شد. پیوند سلفی‌گری با کارگزاران سیاسی کشورهای جهان اسلام و رابطه پیچیده آن با بازیگران خارجی موجب شد که سلفی‌گری به ویژه گونه تکفیری آن به ابزار راهبردی در معادلات ژئوپلیتیکی مناطقی مانند غرب آسیا، جنوب آسیا، شمال آفریقا تبدیل شود. سلفی‌گری تکفیری به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، زمینه‌ساز تشدید اختلافات درون دینی در جهان اسلام، رقابت‌های سیاسی و حتی مداخلات نظامی بزرگی مانند حمله به افغانستان در سال ۲۰۰۱ شد. با پیدایش داعش در عراق و سوریه، بازهم سلفی‌گری تکفیری، با دگرسازی شیعه، برای چندین سال کشورهای منطقه را تا آستانه رویارویی مستقیم نظامی پیش برد. سقوط دولت بشار اسد توسط تکفیری‌های سابق و دگردیسی آن‌ها نیز بسیاری از معادلات در منطقه را تغییر داده است.

سلفی‌گری در گونه‌های مختلف آن، متغیر ثابت و تأثیرگذاری در پویش تحولات سیاسی درون جهان اسلام و در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است. در مقابل گفتمان سلفی‌گری تکفیری، گفتمان‌های دیگری تولید شده و شیوه‌های گوناگونی از سرکوب سیاسی - عقیدتی تا تهاجم تمام‌عیار نظامی انجام شده است. وقتی بنیان‌های عقیدتی - فکری سلفی‌گری و تاریخ سلفی‌گری در تاریخ معاصر منطقه غرب آسیا بررسی می‌شود، این نتیجه حاصل می‌شود که همواره شیعه به‌عنوان دگر اصلی سلفی‌گری تکفیری مطرح بوده است. جهان تشیع در مقابل تکفیری‌ها، واکنش‌های مختلفی داشته است. برخی علما و مراجع شیعه، تمهیدات و تدابیری اتخاذ کرده‌اند که با کمترین هزینه‌ها، دگرسازی این

گفتمان را مدیریت کرده اند. انتخاب هفته وحدت توسط امام خمینی علیه السلام از جمله تدابیر راهبردی در این زمینه بوده است. هدف این مقاله واکاوی نقش بنیادین آیت الله العظمی بروجردی علیه السلام در مواجهه نرم و ساختاری با گفتمان سلفی گری تکفیری است. در این راستا سؤال اصلی مقاله عبارت است از: «آیت الله العظمی بروجردی علیه السلام چگونه مانع دگرسازی تشیع توسط گفتمان سلفی گری تکفیری شد؟» فرضیه مقاله این گونه صورت بندی می شود: «آیت الله العظمی بروجردی علیه السلام با استناد به حدیث ثقلین و برجسته سازی اشتراکات عقیدتی و عملی مذاهب مختلف اسلامی، با اندیشه تقریب مذاهب، مانع برجسته سازی اختلاف نظرهای جزئی جریان سلفی تکفیری علیه تشیع شدند». داده های خام این پژوهش از منابع معتبر با شیوه کیفی با رویکرد توصیفی - تبیینی پردازش می شود.

۱. پیشینه تحقیق

درباره اندیشه و کنش فقهی آیت الله بروجردی پژوهش های مختلفی انجام شده است. در پژوهشی، رویکردهای تبلیغی آیت الله بروجردی در دو سطح داخلی و خارجی بررسی شده است. نتایج آن پژوهش نشان می دهد که ایشان در عرصه خارجی ضمن پیگیری جدی ایده تقریب مذاهب، جهت اعزام نمایندگان و مبلغان به سایر کشورها، اقدامات مؤثری انجام داد و این پشتیبانی، در تداوم و پایداری اقلیت شیعی ساکن کشورهای جهان، نقش مؤثری داشته است (غرسبان روزبهانی، ۱۴۰۳). کریمی (۱۳۹۸) در بخشی از پایان نامه کارشناسی خود نقش آیت الله بروجردی را در تقویت هویت سیاسی شیعی و اندیشه و کنش سیاسی ایشان در حوزه تقریب بررسی کرده است. علوی طباطبایی بروجردی (۱۳۹۷) مبانی تقریب مذاهب اسلامی از منظر آیت الله بروجردی را تبیین کرده است. نظری (۱۳۹۸) اندیشه وحدت و تقریب از منظر مقام معظم رهبری و آیت الله بروجردی را مقایسه کرده است. در پژوهشی تحت عنوان «تطبيق اندیشه تقریب از منظر آیت الله خمینی و آیت الله بروجردی» اندیشه تقریب در دیدگاه های این دو مرجع عالی قدر بررسی شده است (قریشی کرین و دیگران، ۱۳۹۱). در پژوهشی تفکرات تقریبی آیت الله بروجردی و حمایت ایشان از دارالتقریب مصر و مکاتباتی که در راستای تحقق تقریب مذاهب شیعه و سنی انجام شد،

بررسی شده است (اباذری: ۱۳۸۹). بررسی انتقادی پژوهش‌های موجود نشان می‌دهد که پژوهش مستقلی درباره تأثیر اندیشه تقریب ایشان بر خنثی‌سازی جریان سلفی‌گری تکفیری توسط نگارنده مقاله یافت نشد و هدف این مقاله برطرف کردن بخشی از این خلأ پژوهشی است. نوآوری مقاله در این است که ضمن خوانش متون اصلی و آثار بنیان‌گذار گفتمان سلفی‌گری، اهمیت رویکرد مواجهه نرم‌افزاری با آن از منظر آیت‌الله بروجردی و بازخورد مثبت آن در جهان اسلام بررسی می‌شود.

۲. مبانی نظری تحقیق؛ غیریت‌سازی گفتمانی

چون سلفی‌گری به مثابه یک گفتمان در نظر گرفته می‌شود، برای پردازش فرضیه مقاله، گفتمان (Discourse) به عنوان چارچوب نظری این نوشتار انتخاب شده است. از آنجاکه گفتمان از مؤلفه‌های گوناگونی چون دال مرکزی، دال‌های شناور، مفصل‌بندی، عناصر، و قته، هژمونی و اصل‌تخاصم (Antagonism) تشکیل شده است، در این مقاله برخی از مؤلفه‌های گفتمان به‌ویژه اصل‌تخاصم یا غیریت‌سازی بیشتر استفاده می‌شود. گفتمان‌ها از طریق ایجاد مرزهای سیاسی و ضدیت با سایر گفتمان‌ها، فردیت (کنشگران به شکل‌های بدیع عمل می‌نمایند و تصمیم می‌گیرند) و عاملیت (موقعیت‌یابی سوژه در گفتمان‌های گوناگون) و استیلا (تعیین‌کنندگی قواعد و معانی در یک صورت‌بندی خاص) متمایز شده و هویت خود را به دست می‌آورند (استوکر و مارش، ۱۳۷۸: ۲۰۵-۲۰۹). غیریت‌سازی یا تخصصم مبنای تعریف «خود» و «دگر» (Self/ other) است که گفتمان بدون آن‌ها، معنایی نداشته و ایجاد نمی‌شود. معنا در گفتمان همیشه نسبی و در رابطه با دیگری یا غیر ساخته می‌شود. گفتمان‌ها برای تثبیت خود نیازمند دشمن یا رقیب هستند؛ بدون «تخاصم»، هویت گفتمان‌ها لغزان و نامتعیین باقی می‌ماند؛ بنابراین اصل، هیچ گفتمانی بدون مرزبندی و نفی دیگری نمی‌تواند پایدار بماند.

بر اساس اصل‌تخاصم، هویت و معنای هر گفتمان نه در خلأ، بلکه در مقابله و تمایز با گفتمان‌های رقیب شکل می‌گیرد. تخصصم باعث تأسیس و تثبیت مرزهای سیاسی هویت می‌شود (هوارث، ۱۳۷۷: ۱۶۵). هویت گفتمان همیشه در تقابل با دگر ساخته می‌شود. بدون

وجود «دیگری»، «خود» هم معنا و انسجام پیدا نمی‌کند. «دگر» می‌تواند دشمن آشکار (مثل دشمن سیاسی/ایدئولوژیک) یا فقط یک رقیب معنایی باشد. «برجسته‌سازی و به حاشیه‌رانی» سازوکاری است که از طریق آن گفتمان‌ها می‌کوشند نقاط قوت خود را برجسته و نقاط ضعف خود را به حاشیه رانده و پنهان کنند (سلطانی، ۱۳۹۴: ۱۱۲-۱۱۳).

گفتمان‌ها را می‌توان از منظر دامنه به چندگونه تقسیم کرد. در این رابطه می‌توان «ابراگفتمان» یا فراگفتمان، گفتمان و خرده گفتمان (گفتمان فرعی) اشاره کرد. فراگفتمان به مثابه بستر و زمینه فرهنگی وسیع‌تری است که در درون آن گفتمان‌های متعدد شکل گرفته‌اند که از یک سو تمایز هویتی و مرزبندی خود را با گفتمان‌های رقیب در فرایند تعامل و نزاع گفتمانی به نمایش می‌گذارند و از سوی دیگر زوایا و سویه‌های مشترک و وابستگی خود به فراگفتمان را تعریف می‌نمایند. با توجه به ویژگی‌ها و مؤلفه‌های مذکور، گفتمان سلفی‌گری به ویژه سلفی‌گری تکفیری تبیین شده و محوریت دگر شیعه در گفتمان مذکور از طریق تحلیل متون اولیه بنیان‌گذاران سلفی‌گری استخراج و در سپس چگونگی مواجهه آیت‌الله بروجردی در مقابل آن تحلیل می‌شود.

۳. دگرسازی در گفتمان سلفی

سلفی‌گری فراگفتمانی است که در درون آن گفتمان‌ها و خرده گفتمان‌های زیادی وجود دارد. این فراگفتمان دارای مؤلفه‌هایی است که همه خرده گفتمان‌های زیرمجموعه، به آن‌ها باور دارند اما برخی مؤلفه‌ها نیز وجود دارد که صرفاً سلفی‌های تکفیری به آن اعتقاد دارد. سلفی‌گری در معنای لغوی به معنای بازگشت به گذشته و تقلید از گذشتگان است، اما در معنای اصطلاحی به تفکری اطلاق می‌شود که آرمان خود را در پیروی از سلف صالح و بازگشت به اعمال، رفتار و اعتقادات پیامبر اسلام، صحابه و تابعین می‌دانند. پیشینه بکارگیری واژه «سلفیه» به سده‌های متأخر اسلامی باز می‌گردد. از این رو، معتقدان به سلف صالح، بسیاری از عقاید خود را به احمد بن حنبل نسبت می‌دادند. در قرن چهارم هجری بن خلف بر بهاری برای احیای سلفی‌گری تلاش کرد، اما در برابر شورش مردم کاری از پیش نبرد (دین‌پرست، ۱۳۸۴: ۴۳). قرن‌ها بعد، ابن تیمیه عقاید حنبلی‌ها را احیا کرد. در حقیقت

وی بود که دگر شیعی را در گفتمان سلفی‌گری بنیان گذاشت و سلفی‌گری را از مجموعه اظهارات پراکنده و جریان‌های غیرمنسجم به یک مکتب تبدیل کرد. به این دلیل وی را پدر معنوی سلفی‌گری می‌نامند (عباس‌زاده فتح‌آبادی، ۱۳۹۳: ۲۱۹).

مهم‌ترین کتاب ابن تیمیه که مانیفست نخست سلفی‌های تکفیری است، «منهاج السنّة النبویة فی نقض الشیعة القدریة» است. اگرچه مخاطب او در این کتاب عامه مسلمانان است، اما دال مرکزی و لبه تیز حمله او در منهاج السنّة متوجه شیعیان است. در اصل، کتاب مذکور ردّی بر کتاب «منهاج الکرامه فی معرفة الامامة» اثر علامه حلی (۶۴۸-۷۲۶ق) است. منهاج الکرامه در بیان و اثبات حقانیت امامت و مذهب تشیع است.

دگر اصلی کتاب منهاج السنه که شامل ۲۱۴ فصل و مشتمل بر یک هزار صفحه است، «روافض» یا همان شیعه است. از فصل دوم کتاب با عنوان: مشابهت روافض با یهودیان و مسیحیان در بسیاری از موارد (همان، ۶۵-۷۲) تا آخرین فصل، تمام تلاش مؤلف این بوده که دال مرکزی گفتمان تشیع که امامت است، و اساسی کند. بیشترین حجم این کتاب به رد موضوع امامت به‌ویژه امامت حضرت علی علیه السلام، اختصاص یافته است. رد امامت به‌عنوان اصل دین (همان، ۹۰-۱۲۳)، عصمت ائمه (همان، ۲۰۳-۲۱۳) رد حدیث کسا (همان، ۴۱۹)، انکار عید غدیر خم که توسط بسیاری از علمای اهل تسنن تأیید شده بخش‌های مهمی از کتاب را تشکیل می‌دهد (همان، ۴۲۵-۴۲۶). موضوعات دیگری که در گفتمان امامت و شیعه، بسیار مهم هستند مانند عصمت ائمه و موضوع امامت حضرت غائب نیز از موضوعات اصلی کتاب منهاج السنه است و ابن تیمیه در مقابل رویکرد سلبی به مبحث امامت، با رویکرد ایجابی به دنبال اثبات حقانیت خلافت از ابوبکر تا یزید بوده است (ابن تیمیه: ۱۳۸۶).

بخش از مباحث کتاب منهاج السنه که بعدها در گسترش سلفی‌گری تکفیری تأثیر بسزایی داشت، بسط فوق‌العاده طرح مفهوم «تکفیر» بود. وی توسل به اولیای الهی را جایز نمی‌شمارد و آن را کفر به شمار می‌آورد. همچنین زیارت قبور، قربانی و نذر و طلب از غیر را جزء اسباب کفر قرار داد و از این رو بسیاری از مسلمانان را در دایره کفر قرار داد

(فاطمی نژاد، ۱۳۹۳، ج ۶: ۳۳).

دگرسازی درون دینی سلفی‌گری با اندیشه و کنش عملی محمد بن عبدالوهاب وارد مرحله جدیدی شد که از نظر تاریخی به دوره حیات آیت الله بروجردی نزدیک تر است و آبخور فکری بسیاری از جریان‌های سلفی و وهابی است. محمد بن عبدالوهاب (۱۲۰۶-۱۱۱۵ ه. ق) با طرح مجدد ادعای بازگشت به اسلام اصیل و پیروی از سلف صالح و با الهام از اندیشه‌های ابن تیمیه و ابن قیم، مبارزه جدیدی را با آنچه خود آن را بدعت و خلاف توحید می‌خواند، آغاز کرد.

مهم‌ترین کتاب عبدالوهاب، «التوحید» است. این کتاب دارای ۶۷ باب است که می‌توان آن را واسطه اندیشه ابن تیمیه و گروه‌های سلفی تکفیری مانند داعش محسوب کرد. باب نخست این کتاب به توحید به عنوان دال مرکزی گفتمان سلفی وهابی اختصاص دارد. توحید عبارت است از یکتاپرستی و طاغوت که عام است و همه معبودان باطل را در بر می‌گیرد؛ یعنی طاغوت به هرکسی و یا هر چیزی غیر از الله پرستش می‌کند (عبدالوهاب، ۱۳۹۲: ۱۹-۲۰)، اطلاق می‌شود. باب‌های بعدی کتاب عبدالوهاب به مصادیق شرک به عنوان دگر اصلی و متخصص توحیدی اختصاص یافته است. باب نهم کتاب وی به تبرک جستن و باب ۲۱ هم به رد زیارت قبور صالحان (بن عبدالوهاب: ۱۳۹۲)، اختصاص یافته که همه آن‌ها بخش‌های مهم گفتمان سلفی تکفیری را تشکیل می‌دهند.

عبدالوهاب پس از ابن تیمیه نقش مهمی در بسط دایره تکفیر داشت. وی توحید عبادی را صرفاً در بعد منفی (و نه مثبت) تعریف کرد. پیامد بسیار مهم این نگاه، مشرک پنداشتن طیف وسیعی از مسلمانان و در نتیجه مباح شمردن (و در بسیاری از موارد واجب دانستن) جنگ بر ضد آن‌ها بوده است. نمونه‌ای از عملکرد سلفی‌گری سنتی در کاربست نظریات عبدالوهاب را می‌توان در کشتار کربلا و طائف در سال ۱۲۱۷ هجری قمری مشاهده کرد (الگار، ۱۳۸۷: ۳۶-۳۵).

گفتمان سلفی‌گری سنتی، پس از عبدالوهاب با واسطه‌هایی چون سید قطب و ابوعلا مودودی و تفاسیر جدید توسط کسانی مانند اسامه بن لادن و ایمن الظواهری به سلفی‌گری

جهادی یا نوسلفی تکفیری تبدیل شد. این گفتمان در قالب جنبش‌های مذهبی - نظامی مانند القاعده، طالبان، الشباب و بوکوحرام و داعش و داعش خراسان، در بخش‌های مختلف جهان اسلام، با دگرسازی‌های دینی - مذهبی، تصویر مخربی از اسلام برجای گذاشته‌اند. کارویژه اصلی داعش، مواجهه با دگر شیعی بوده است. این خرده گفتمان به‌طور کامل از بین نرفته و این گروه در برخی مناطق جهان حتی آفریقا فعال است (Rose and Clarke: 2025) به‌علاوه گفتمان سلفی‌گری همچنان در حال بازتولید است. در این راستا خرده گفتمان «پساسلفی‌گری» (Post-Salafism) پس از شکست امارات اسلامی داعش در عراق و سوریه در سال ۲۰۱۹ ظاهر شده است. انطباق دین با مدرنیته و نه برعکس و کارایی اقتصادی به‌جای دین، چارچوب مرجع جدید این خرده گفتمان است (Blin: 2024).

۴. آیت‌الله بروجردی و مدیریت دگرسازی سلفی‌گری

در دوره زعامت آیت‌الله بروجردی، گفتمان سلفی در بخش‌های مختلف جهان اسلام فعال بود. سلفی‌گری وهابی در مقایسه با سلفی‌های شبه‌قاره به‌ویژه جریان دیوبندی و برخی خرده گفتمان‌ها در مصر، فعالیت عملی کمتری داشت و دهه‌های بعد که آیت‌الله بروجردی فوت کردند، احیا شدند. با این وصف گفتمان سلفی به‌ویژه در مصر در دوره مرجعیت آیت‌الله بروجردی از نظری فکری در جهان اسلام بسیار تأثیرگذار بود. بسیاری از دانش‌آموختگان الازهر که از نقاط مختلف جهان اسلام در این دانشگاه تحصیل می‌کردند، هنگام بازگشت، در گستره وسیعی از جهان اسلام، متون سلفی را ترویج می‌کردند.

با توجه به مبانی دگرسازی در متون اولیه سلفی‌گری که پیشتر تشریح شد، به‌رغم آنکه دشمن دور صهیونیسم از اوایل قرن بیستم در فلسطین، از سطح اندیشه وارد مرحله عملیاتی شده بود و خرده گفتمان اخوانی در واکنش به آن نضج گرفته بود؛ با این وصف همچنان دوگانه اصلی تخاصم در گفتمان سلفی‌گری، سلفی / تشیع بود. در آن بستر که می‌توان آن را دوره گذار سلفی‌گری از اندیشه به کنش و جریان سیاسی نامید، آیت‌الله بروجردی ضمن شناخت دقیق ماهیت سلفی‌گری، توانست با روش‌های مدبرانه از فعال شدن گفتمان سلفی و تکفیرگرایی آنان به‌ویژه علیه شیعیان و تعریف آن‌ها به‌عنوان دگر یا دشمن نزدیک جلوگیری

کند. اهمیت اندیشه و کنش آیت‌الله بروجردی در مقابله با افراطی شدن سلفی‌گری وقتی نمایان شد که دهه‌های بعد تحت شرایط جدید، خرده‌گفتمان‌های سلفی تکفیری فعال شدند و در قالب گروه‌هایی چون القاعده، طالبان و داعش خود را نمایان ساختند. آیت‌الله بروجردی در مقابل جریان سلفی‌گری، مجموعه اقدامات منسجمی انجام دادند که برای چندین دهه، دگرسازی سلفی‌ها را علیه شیعیان مهار کرد. این اقدامات را می‌توان در دو سطح خارجی و داخلی تحلیل کرد. اگرچه اقدامات مذکور با یکدیگر ارتباط وثیقی دارند، اما چون موضوع خارجی به‌ویژه تقریب، ارتباط بیشتری با موضوع اصلی این مقاله دارد، لذا، با تفصیل بیشتری بررسی می‌شود و سپس دیگر اقدامات داخلی ایشان از جمله احیای ساختاری و آموزشی نهاد تشیع در ایران که به‌نوعی با موضوع تقریب مرتبط‌اند، تحلیل می‌شود.

۴-۱. بازسازی نهادی حوزه علمیه و جهانی کردن شیعه

اگرچه بحث وحدت جهان اسلام و حتی وحدت مذاهب اسلامی، از قرن‌های گذشته مطرح بوده است اما اقدام آیت‌الله بروجردی، نوآوری بسیار خاصی بود. آیت‌الله بروجردی ابتدا اقدامات بسیار مهمی برای احیای حوزه‌های شیعی به‌ویژه در زمینه آموزش طلاب، تقویت زیرساخت مالی حوزه علمیه قم، ایجاد نظام وکالت برای جمع‌آوری وجوه شرعی کادرسازی و شاگردپروری انجام دادند (کریمی، ۱۳۹۸: ۶۲-۷۳). در زمان آیت‌الله بروجردی شبکه تحصیلات حوزوی از نظر محتوای دروس و نیز شیوه تدریس، متحول و حرفه‌ای شد. روزبه‌روز بر تعداد طلاب افزوده می‌شد به‌گونه‌ای تعداد آن‌ها از ۵ هزار نفر گذشت (Mottahedeh, 1985: 231)؛ و در واقع حوزه علمیه قم به یک دانشگاه عظیم اسلامی تبدیل شده بود (دوانی، ۱۳۷۹: ۲۱۲).

بعد از تحول سازمانی حوزه، برای معرفی جهانی و شناسایی تشیع اقدام کردند. هدف مجموعه اقدامات ایشان در این زمینه گذار تشیع به عرصه خارج از حوزه و ورود به دنیای مدرن و شناخت بیشتر طلاب علوم دینی از ادیان، مذاهب و جهان و به‌طور کلی شناساندن شیعه بود (فرمانیان، ۱۴۰۴) که پیش از آن چندان مورد توجه قرار نگرفته بود. «آیت‌الله

بروجردی، نسبت به اسلام یک دید جهانی داشت. بر اساس همین دیدگاه بود که به تبلیغات خارج از کشور، اهمیت می‌داد که تا آن زمان سابقه نداشت» (کریمی، ۱۳۹۸: ۷۳). معرفی اسلام به کشورهای خارجی هر اندازه که تا آن زمان صورت گرفته بود، یا به وسیله شرق شناسان اروپایی و یا به وسیله بعضی از دانشمندان با استعداد مسلمان و یا به وسیله دانشمندان مصری و هندی و فرقه‌های منسوب به اسلام مانند قادیانی‌ها بوده است و قدر مسلم این که تا آن زمان از اسلام یک معرفی صحیحی به دنیای خارج نشده بود (مطهری، ۱۳۶۸: ۲۰۶).

آیت‌الله بروجردی اقداماتی منسجم و اصولی برای نهادینه کردن تبلیغ دین در عرصه عمل انجام داد. اقدامات وی را می‌توان در دو عمل اساسی ارزیابی کرد: «اعزام مبلغ به برخی از کشورها»، «ساخت بناهای تبلیغی» (عالمیان، ۱۳۹۰: ۲۱۷). در زمان ایشان، نمایندگان تبلیغی به کشورهای اسلامی مانند هند، پاکستان، عربستان و نیز غیر اسلامی، مانند کشورهای اروپایی و آمریکا (مجله حوزه، ۱۳۷۰: ۸۵) اعزام شدند در این راستا، حجت‌الاسلام سید محمدتقی طالقانی به مدینه؛ حجت‌الاسلام والمسلمین سید زین‌العابدین کاشانی به کویت و حجت‌الاسلام شریعت زاده اصفهانی به پاکستان اعزام شدند (رازی، ۱۳۳۲: ۱۴). همچنین شیخ محمدتقی قمی برای حضور در دارالتقریب مصر اعزام شد (فرمانیان، ۱۴۰۴).

علاوه بر جهان اسلام، برخی از مبلغین به کشورهای دیگر نیز اعزام می‌شدند. آیت‌الله بروجردی، آقای محقق‌رشتی را که از لحاظ دانستن زبان و علوم روز، امتیاز داشت، به آلمان فرستاد. وی در هامبورگ مسجد با شکوهی بنا و تشکیلاتی را برقرار کرد. از دیگر نمایندگان آیت‌الله بروجردی می‌توان به مهدی حائری یزدی، فرزند آیت‌الله عبدالکریم حائری مؤسس حوزه علمیه قم به آمریکا اشاره کرد. وی در شهر واشنگتن مسئولیت اداره جلسات سخنرانی دینی و پاسخ به سؤالات را بر عهده داشت. همچنین صدر بلاغی مترجم کتاب «قصص قرآن» و از خطبای نامی معاصر نیز یک سال نماینده آیت‌الله بروجردی در اروپا و آمریکا بود (دوانی، ۱۳۷۹: ۴۶۶-۴۶۸).

علاوه بر اعزام مبلغ، اقدامات زیرساختی دیگری مانند بناهای تبلیغی هم در دوره آیت‌الله بروجردی انجام شد. ساخت مسجد اعظم قم در اردیبهشت ۱۳۳۳ آغاز شد و پس از هفت سال با جمع‌آوری کمک‌های مردمی از داخل و خارج کشور - حدود هشت میلیون تومان - به اتمام رسید (دوانی، ۱۳۸۲: ۲۱۳). آیت‌الله بروجردی معتقد بود: مسلمین و شیعیان در اروپا احتیاج به مرکز تبلیغاتی و پایگاه مذهبی ثابتی دارند که بتواند عنداللزوم جوابگوی احتیاجات همه کشورهای اروپایی باشد و لذا دستور دادند در بهترین نقطه شهر هامبورگ چهار هزار متر زمین به قیمت نیم میلیون تومان خریداری و نقشه ساختمانی آن تهیه و شروع به ساختن شد (علوی طباطبایی، ۱۳۴۱: ۱۱۱). البته این بنا پس از رحلت آیت‌الله بروجردی تکمیل شد و تا سال‌های بعد از مراکز مهم ترویج دینی بود. پلیس آلمان سال گذشته فعالیت مرکز اسلامی هامبورگ و چند مرکز دینی دیگر را به اتهام فعالیت‌های سیاسی متوقف کرد.

آیت‌الله بروجردی سال ۱۳۷۳ ه. ق تصمیم گرفت به منظور تقویت حوزه علمیه نجف، مدرسه علمیه که از جهت با وضع روز متناسب باشد، در کنار بارگاه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بنا کنند. مدرسه آیت‌الله بروجردی در نجف اشرف در زمینی به مساحت ۵۰۰ مترمربع و از چهار طرف در سه طبقه با سبکی مناسب و با رعایت اصول هندسی و جهات معماری بنا شد. این مدرسه دارای ۶۴ حجره و یک کتابخانه مجهز است. طلاب این مدرسه نیز مانند سایر مدارس ایشان همه از حقوق و اعتبارات ایشان استفاده می‌کردند. امور ساختمانی این مدرسه و نظارت بر کتابخانه آن، به عهده شیخ نصرالله خلخالی از علمای معروف و سرشناس نجف بود. مدرسه آیت‌الله بروجردی در قم، حسینیه تهرانی‌ها در کربلا از دیگر ابنیه دینی دوره ایشان بود (دوانی، ۱۳۷۹: ۴۳۰-۴۳۴).

یکی از اقدامات مؤثر در زمان مرجعیت آیت‌الله بروجردی، انتشار مجلات و نشریات حوزه از جمله نشریه «مکتب اسلام» توسط عده‌ای از فضلا و طلاب جوان همچون امام موسی صدر بود. حمایت‌ها و تشویق‌های مستمر آیت‌الله بروجردی، در این رابطه تحول چشمگیری را در حوزه به ارمغان آورد و مدت کوتاهی، زمینه را برای انتشار مجلات و

نشریاتی مانند مکتب تشیع، مکتب قرآن، مکتب انبیا، حکمت و بعثت آماده ساخت و این‌ها یکی پس از دیگری در حوزه علمیه قم فعالیت فرهنگی خود را آغاز کردند (تمری، ۱۳۸۷: ۱۸۱).

۴-۲. تأکید بر فقه مقارن

علاوه بر تحول سازمانی و تبلیغی حوزه علمیه، از نظر رویکرد به متون نیز تحول دیگری انجام شد که ارتباط وثیقی با اندیشه تقریب مذاهب داشت. نخستین اقدام جدی ایشان در حوزه خنثی‌سازی دگرسازی سلفی‌های تکفیری، تقریب مذاهب اسلامی بود. آیت‌الله بروجردی پیش شرط آن را، تغییر رویکرد نسبت به فقه می‌دانست و به این دلیل به فقه مقارن توجه ویژه‌ای داشت و معتقد بود فقه شیعه باید همراه با آگاهی از نظریات و افکار دیگران باشد، فقه باید از حالت اختصاصی به فقه تطبیقی و مقارن تبدیل شود و به آراء گذشتگان اعم از فقهای اهل سنت و شیعه رجوع کند. ایشان معتقد بود مسائل فقهی، نه تنها در سطح مذاهب امامیه بلکه باید در سطح همه مذاهب فقهی اسلامی مورد بحث قرار گیرد و در هر مسئله مهم مورد اختلاف، ادله همه مذاهب منظور شود. این ابتکار، باعث شد مجتهدان شیعه علاوه بر کتب فقهی شیعه امامی به کتاب‌های فقهی دیگر مذاهب رجوع کنند. آیت‌الله بروجردی معتقد بود با مراجعه به فتاوی‌های رایج اهل سنت در عصر ائمه اهل بیت علیهم‌السلام بهتر می‌توان روایات و اقوال ائمه را فهمید زیرا گفتار آنان با توجه به آن فتاوی صادر شده است. گاهی می‌فرمود: «فقه شیعه در حاشیه فقه اهل سنت است»؛ زیرا در آن اعصار احکام مورد عمل مسلمانان همان فتاوی پیشوایان آنان بود و روایان اصحاب ائمه با توجه به آن فتاوی، از ائمه سؤال می‌کردند و ائمه هم با توجه به همان فتاوی پاسخ می‌گفتند (دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی: ۱۴۰۴). ایشان معتقد بودند بر فقهای شیعه واجب است که برای فهمیدن آراء و روایات شیعه، فتاوا و روایات اهل سنت را مطالعه کنند و الا اجتهادشان ناقص است (حسینی رودباری، ۱۳۹۲: ۶۵). با این پندار و طرز تفکر که علمای اهل سنت دور هم جمع شده و یکسری احکام را جعل کرده‌اند و ربطی به کتب و سنت ندارد، به شدت مخالفت می‌فرمود. به خاطر همین امر، کتاب «مسائل الخلاف» شیخ طوسی را با تحمل مشقاتی در تصحیح آن، چاپ کرد و گاه به‌گاه این کتاب را با

خود به جلسه درس می‌آورد و از محل مورد نظر عبارات شیخ طوسی را می‌خواند تا طلاب کم‌کم به این روش عادت کنند (واعظ زاده خراسانی، ۱۳۸۰: ۴).

۳-۴. جلوگیری از توهین به مقدسات اهل سنت

یکی از مصادیق مهم تضادهای ریشه دار شیعه و اهل سنت، لعن یکدیگر به ویژه لعن خلفا بود. شاه عباس صفوی در سال ۱۵۹۰ م پیمان صلحی با سلطان عثمانی منعقد کرد که بر اساس آن لعن سه خلیفه نخست در ایران متوقف شد (رمضانی، ۱۴۰۲: ۳۷) که البته نه در راستای تقریب فقهی و مذهبی، بلکه تقریب سیاسی و توافق تاکتیکی برای توجه صفویان به ازبک‌های سنی مذهب در مرزهای شمالی خود بود. آیت‌الله بروجردی برای جلوگیری از گسترش اختلافات اجازه نمی‌داد به مقدسات و بزرگان اهل سنت اهانت شود و حتی آن را حرام می‌دانست. در این باره آیت‌الله واعظ‌زاده خراسانی می‌گویند: «روزی در جلسه تنظیم کتاب «جامع احادیث الشیعه» حضرت العظمی بروجردی حضور یافته و فرمودند: کسی آمده کتابی نوشته و به خلفا اهانت کرده، نام مرا هم در آغاز کتاب خود آورده است، وقتی از این امر آگاهی یافتم، دستور دادم تمام نسخه‌های کتاب را جمع کنند و تا آن سطور حذف نشود، اجازه انتشار نیابد. باید بدانیم که ما در چه روزگاری زندگی می‌کنیم؟ این حرف‌ها جز ضرر و زیان و ایجاد دشمنی چه فایده‌ای دارد؟ (بزرگمهرنیا، ۱۳۹۴: ۵۴۱)».

۴-۴. حمایت از تقریب

با توجه به نقش استعمار در ایجاد تفرقه در بین فِرَق اسلامی، اقدامات مختلفی توسط سید جمال الدین اسدآبادی و شاگردانش مانند محمد عبده و رشید رضا برای اتحاد اسلام انجام شده بود اما آن‌ها بیشتر به دنبال اتحاد سیاسی بودند و از منظر مذهبی به موضوع اتحاد نمی‌نگریستند و می‌توان آن را «تقریب سیاسی» نامید. آیت‌الله بروجردی به‌عنوان یکی از آخرین حلقه‌های علمای اصولی برآمده از مکتب آخوند خراسانی ضرورت تقریب را بهتر درک کرده و جریان تقریب مذاهب را به طور جدی مطرح کرد و علمای عراق، لبنان مانند محمدجعفر کاشف الغطا و محمود جواد مغنیه در حقیقت دنباله‌روی وی بودند (ایزدی نیا و دیگران، ۱۴۰۲: ۱۶۶). آیت‌الله بروجردی چون به تاریخ اسلام و ریشه‌های اختلاف

مذاهب واقف بود و سیاست‌های تفرقه‌افکنانه استعمار و دشمنان را می‌شناخت به این دلیل با اعزام نماینده مخصوص خود «شیخ محمدتقی قمی» به مصر به همکاری دوستانه و برادرانه با شیخ عبدالمجید سلیم شیخ الازهر پرداخت (خسر و شاهی، ۱۳۹۲ الف: ۱۳).

نتیجه عینی، تلاش‌های تقریبی آیت‌الله بروجردی، حمایت معنوی و مادی از «دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه» بود. این نهاد در سال ۱۳۲۷ ش از سوی جمعی از علمای اهل سنت و مذاهب مختلف و علمای شیعه و با کوشش محمدتقی قمی که سال‌ها در لبنان و مصر اقامت داشت و با دبیر کلی وی شکل گرفت. اعضاء آن از اساتید الازهر مانند شیخ عبدالمجید سلیم، شیخ محمود شلتوت، شیخ ابوزهره، حسن البنا و از علمای شیعه محمدحسین کاشف الغطاء در نجف، سید شرف‌الدین و محمدجواد مغنیه در لبنان بودند. آیت‌الله بروجردی اگرچه جزو مؤسسان دارالتقریب نبود، از ابتدای فعالیت این مرکز به حمایت جدی از آن برخاست و حتی از کمک مالی به آن دریغ نورزید. افزون بر ارتباط مکاتبه‌ای با شیخ الازهر، عبدالمجید سلیم و بعد از او با شیخ محمود شلتوت، رابطه جهان‌تشیع را با دنیای اسلام هر چه مستحکم‌تر ساخت و بسیاری از سوءتفاهم‌ها و بدبینی‌ها را به دوستی و محبت تبدیل کرد. شهید مطهری که از شاگردان آیت‌الله بروجردی بود درباره اندیشه و وحدت و تقریب ایشان می‌فرماید: «یکی از مزایای معظم له توجه و علاقه فراوانی بود که به مسئله وحدت اسلامی و حسن تفاهم و تقریب بین مذاهب اسلامی داشت، این مرد چون به تاریخ اسلام و مذاهب اسلامی آشنا بود، می‌دانست که سیاست حکام گذشته در تفرقه و دامن زدن آتش اختلاف چه اندازه تأثیر داشته است و هم توجه داشت که در عصر حاضر نیز سیاست‌های استعماری از این تفرقه حداکثر استفاده را می‌کنند و بلکه آن را دامن می‌زنند و هم توجه داشت که بعد و دوری شیعه از سایر فرق سبب شده که آن‌ها شیعه را نشناسند و درباره آن‌ها تصوراتی دور از حقیقت بنمایند. به این جهات بسیار علاقه مند بود که حسن تفاهم بین شیعه و سنی برقرار شود که از طرفی وحدت اسلامی که منظور بزرگ این دین مقدس است تأمین گردد و از طرف دیگر شیعه و فقه شیعه و معارف شیعه آن‌طور که هست به جامعه تسنن که اکثریت مسلمانان را تشکیل می‌دهند معرفی شود» (مطهری، ۱۳۶۸: ۲۰۴).

هدف آیت‌الله از تقریب و وحدت ذوب کردن فرقه‌ای در فرقه‌ای دیگر نبود، بلکه هدف این بود که با بیان مشترکات میان دو گروه اسلامی؛ خوش‌بینی شدیدی در میان دو گروه به وجود آورد تا همه امت اسلامی به سوی هدف مشترکی گام بردارند. هدف اصلی وی این بود که با بیان این نقاط مشترک، دوستی و صمیمیت در بین همه مسلمین حاکم گشته و همه در برابر دشمنان اسلام تبدیل به «ید واحد» شوند. از منظر آیت‌الله بروجردی، منشأ وجودی مذاهب مختلف هم از آنجا ناشی می‌شد که مسلمانان پس از رحلت پیامبر ﷺ، احکام اسلامی را از غیر اهل بیت گرفتند. مبنای نظری اصل تقریب مذاهب اسلامی از نظر آیت‌الله بروجردی شئون سه گانه عترت شامل شأن امامت و ولایت، شأن حجیت قول و فتوا و شأن نقل سنت نبوی بود و حدیث ثقلین برای اثبات این شئون قابل استدلال است (طباطبایی بروجردی، ۱۳۹۷: ۱۲۸-۱۲۷). شیخ شلتوت و آیت‌الله بروجردی توافق کردند که روایات مشترک بین شیعه و اهل سنت را جمع‌آوری کنند و در مصر کتبی منتشر شد اما بعد از رحلت آیت‌الله بروجردی متوقف شد (همان: ۱۷۲).

۴-۵. طرح یکسان کردن حج

یکی از مصادیق بارز اهتمام آیت‌الله بروجردی به تقریب مذاهب فقهی، طرحی است که ایشان در سال‌های آخر عمر به ملک سعود پادشاه وقت عربستان که به ایران آمده بود پیشنهاد کردند. ملک سعود در نتیجه فعالیت‌ها و نگرش‌های تقریبی برای آیت‌الله بروجردی یک جلد قرآن و پرده کعبه هدیه^۱ فرستاد. اگرچه آیت‌الله بروجردی این دیدار را به عللی نپذیرفت، در ادامه همان فعالیت‌های تقریبی از این فرصت بهره جست و طی نامه تشکرآمیز، حدیث مفصلی از امام صادق علیه‌السلام را که شامل نزدیک به چهارصد احکام مربوط به مناسک حج بود، برایش فرستاد (مجله حوزه، ۱۳۷۰: ۸۳). هدف او در ارائه این حدیث که از طریق اهل سنت نقل شده و در کتاب‌های صحاح سته و غیر آن نیز آمده، آن بود که می‌خواست به پادشاه عربستان و شخصیت‌های علمی و مذهبی جهان اسلام بفهماند که می‌توان، مراسم

۱. همچنین یک لوح چوبی بزرگ که بر روی آن سوره‌ای از قرآن حکاکی شده، به ایشان هدیه دادند که هم اکنون در خانه تاریخی آیت‌الله بروجردی در بروجرد نگهداری می‌شود.

بزرگ حج را طبق روایات و مبانی مشترک و مورد قبول شیعه و سنی به طور یکسان و هماهنگ برگزار کرد و از این تجلیگاه توحیدی، بیشترین و بهترین بهره را به نفع جهان اسلام به دست آورد. این نامه در مجله «رساله الاسلام» نشریه وابسته به دارالتقريب و همچنین در بعضی روزنامه‌ها و مجلات کشور عربستان به چاپ رسید (واعظزاده خراسانی، ۱۳۷۹: ۳۳۷).

۴-۶. به رسمیت شناختن تشیع

مهم‌ترین نتیجه اقدامات آیت‌الله بروجردی، به رسمیت شناختن تشیع توسط مراجع اصلی اهل تسنن بود؛ زیرا اصولاً سلفی‌های تکفیری شیعیان را روافض و مرتد می‌دانستند. به دنبال تقویت نهاد تقرب و حمایت مالی و معنوی وسیع آیت‌الله بروجردی از دارالتقريب بین المذاهب الاسلامی و برقراری روابط دوستانه با مفتیان مصر و رؤسای جامع‌الازهر - شیخ عبدالمجید سلیم و شیخ محمود شلتوت - سرانجام به فتوای تاریخی شلتوت در ۷ ربیع الاول ۱۳۷۸ ق، مبنی بر جواز پیروی از مکتب جعفری انجامید و شیخ دانشگاه‌الازهر مذهب جعفری را در کنار دیگر مذاهب فقهی اهل سنت به رسمیت شناخت (فرمانیان، ۱۴۰۴). در بخشی از حکم تاریخی شیخ محمود شلتوت درباره جواز پیروی از مذهب شیعه آمده است: «مکتب جعفری معروف به مذهب امامی اثنا عشری، مکتبی است که شرعاً پیروی از آن مانند پیروی از مکتب‌های اهل سنت جایز می‌باشد... زیرا دین خدا و شریعت او در احتکار و انحصار مکتب معینی نخواهد بود (علوی طباطبایی بروجردی، ۱۳۹۷: ۱۲)»؛ و در آن مقطع که شیعه به دلیل سیاست‌های ضد مذهبی پهلوی‌ها در داخل ایران و نیز موقعیت هژمونیک گفتمان سلفی تکفیری در جهان اسلامی، از موقعیت مناسبی برخوردار نبود. این اقدام آیت‌الله بروجردی گامی به سوی تثبیت شیعه بود که بعدها زمینه‌ساز تحولات عظیمی شد.

۵. منتقدان و موافقان اندیشه تقرب

اهتمام نظری و عملی آیت‌الله بروجردی درباره تقرب مذاهب موافقان و مخالفانی درون دینی فراوانی داشته است. در هر حالی که برخی جریان‌های و گفتمان‌های اهل تسنن از اندیشه تقرب حمایت کرده‌اند، وهابی‌ها به شدت هر نوع تقرب درون دینی را رد کرده‌اند. ناصر بن عبدالله القفاری، یکی از علمای معاصر وهابی، تقرب با شیعه را غیرممکن

می‌داند؛ زیرا او تقریب را تقرّب به وهابیت معنا کرده است. پاسخ عبدالعزیز بن باز مفتی سابق عربستان به استفتایی درباره تقریب شیعه و اهل سنت این بوده که تقریب میان آن‌ها به دلیل اختلاف اعتقادی ممکن نیست؛ زیرا عقاید این دو با همدیگر سازگاری ندارد. وی در سال ۱۳۸۱ ه. ق وقتی که متوجه شد علامه سید مرتضی عسکری از علمای بغداد، از دانشگاه اسلامی تازه تأسیس مدینه دیدار کرده و درباره تقریب مذاهب صحبت کرده بود، خطاب به ایشان گفته بود که شما مشرک هستید، اول مسلمان شوید، سپس از مسلمانان بخواهید با شما وحدت داشته باشند (غفوری و دیگران، ۱۴۰۲: ۱۱۰-۱۱۱). این در حالی است که علمای برجسته الازهر از اندیشه تقریب حمایت کرده‌اند زیرا به نظر آن‌ها اختلافات شیعه و اهل سنت بنیادین و ریشه‌ای نیست و شامل اصول دین نمی‌شود و اختلافات در تنها در جزئیات دین است (خسروشاهی، الف ۱۳۹۲: ۱۱۸). در مراسم حج سال ۱۹۴۸ حسن البنا با آیت‌الله کاشانی دیدار کرده و درباره تقریب صحبت کردند و اگر وی ترور نمی‌شد گام‌های بلندی درباره تقریب مذاهب برمی‌داشت. بنا قصد داشت کنفرانسی را با شرکت نمایندگان مذاهب اسلامی برگزار کند تا مشکلات خویش را حل و اختلافات خود میان خود بکاهند و دعوت و اقامت شیخ قمی در دفتر مرکزی اخوان و مذاکراتش با بنا به همین منظور بود. دیدارهای مکرر محمدتقی قمی با بنا در این راستا انجام شد (خسروشاهی، ب ۱۳۹۲: ۱۶۳). رهبران اخوان به‌ویژه حسن البناء نقش مهمی در بسترسازی برای تقریب مذاهب ایفا می‌کردند. به این دلیل یکی از دلایل حمله سلفی‌ها علیه آن‌ها، همین نهضت تقریب مذاهب اسلامی بود. از منظر سلفی‌های تکفیری مناسبات اخوان و رهبران آن با شیعیان که آن را روافض می‌خوانند، مردود بوده و آن را از ادله انحراف و بدعت‌گذاری اخوان تلقی می‌کنند، از دیدگاه بنا نهضت تقریب مذاهب اسلامی بخشی از گستره نهضت عام وحدت اسلامی است که در خدمت اهداف نهضت فراگیر اسلامی است. البنا با توجه به واقعیت‌ها و نقش شیعه در اعتلای تراث اسلام و تمدن آن، مذهب شیعه امامیه را به رسمیت می‌شناخت و وی همراه محمدتقی قمی جز مؤسسان جماعت‌التقریب بین مذاهب الاسلامیه در قاره بود (خسروشاهی، ب ۱۳۹۲: ۳۳-۳۴).

اگرچه تقریب مذاهب اسلامی به معنای همکاری، هم‌زیستی فقهی — سیاسی و پرهیز از تکفیر میان مذاهب اسلامی است، نه نفی اختلافات اعتقادی. با این حال، نظرات علمای شیعه نیز درباره تقریب مذاهب یکسان نیست. برخی از علمای شیعه معتقدند اگر منظور از تقریب مذاهب به تقریب اعتقادی منتهی شود و یا پیش شرط آن باشد، با آن موافق نیستند؛ زیرا در این صورت موجب تضعیف مرزهای هویتی تشیع می‌شود. برخی علمی شیعه با توجه به اهمیت و جایگاه امامت در مذهب تشیع، تقریب مذاهب را موجب کمرنگ شدن این اصل تعبیر کرده‌اند. به توجه به اختلافاتی که شیعیان و اهل تسنن درباره موضوعات مهمی چون امامت دارند، تقریب به معنای چشم پوشیدن از اعتقادات شیعه در مسئله امامت و رهبری امامان اهل بیت علیهم‌السلام نیست؛ زیرا در غیر این صورت، هضم شیعه در مذاهب دیگر جهان اسلام خواهد بود و به این دلیل مخالفان بسیاری خواهد داشت. همچنین دلیل مخالفت برخی دیگر از علمای شیعه، این است که تقریب را در تعارض با اصل تولی و تبری دانسته و معتقدند وحدت اگر به ابهام اعتقادی بینجامد، مشروع نیست. مثلاً از منظر آن‌ها، تقلیل «ولایت» حضرت علی علیه‌السلام به «دوستی» برای جلب نظر اهل سنت قابل‌پذیرش نیست (مصباح یزدی: ۱۳۹۱).

فدائیان اسلام که هم‌عصر آیت‌الله بروجردی بودند، در حالی که در ابتدا از اندیشه تقریب مذاهب حمایت می‌کردند اما به تدریج نسبت به آن حساسیت بیشتری به خرج دادند و حتی نواب صفوی در این زمینه برنامه‌ای برای اتحاد اسلام در نظر داشت. این حساسیت در دهه‌های بعدی به‌ویژه پس از ترجمه آثار سید قطب و برادرش در ایران بیشتر شد. برخلاف بنیان‌گذاران اصلی جنبش اخوان مانند حسن البنا — که دیدگاه معتدلی درباره وحدت شیعه و سنی داشتند — سید قطب و سایر رهبران فکری — سیاسی اخوان دارای گرایش سختی غیر شیعی بوده و از ذکر نام اهل بیت علیهم‌السلام، به هر صورت ممکن پرهیز می‌کردند (جعفریان، ۱۳۸۹: ۲۱۵ و ۳۸۱).

لازم به ذکر است که آیت‌الله بروجردی نگاه کلامی و عقیدتی به وحدت نداشت تا به وحدت مذهبی منجر شود بلکه مراد ایشان نگاه فقهی و حقوقی است. استاد شهید مطهری دیدگاه آیت‌الله بروجردی را چنین بیان می‌کند: طراحان فکر عالی اتحاد اسلامی که در عصر ما مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی در شیعه و علامه شیخ عبدالمجید سلیم و علامه شیخ

محمد شلتوت در اهل سنت در رأس آن قرار داشتند، معتقد بودند که فرقه‌های اسلامی در عین اختلافاتی که در کلام و فقه و غیره با هم دارند، به واسطه مشترکات بیشتری که در میان آن‌ها هست می‌توانند در مقابل دشمنان اسلام دست برادری بدهند و جبهه واحدی را تشکیل بدهند. این بزرگان هرگز درصدد طرح وحدت مذهبی تحت عنوان وحدت اسلامی که هیچ‌گاه عملی نیست نبودند (مطهری، ۱۳۶۴: ۱۸-۲۰).

نتیجه‌گیری

فرضیه این مقاله، مدیریت نرم آیت‌الله بروجردی در کنترل دگرسازی جریان سلفی تکفیری علیه تشیع بود. گفتمان تکفیری، بیش از آنکه به نقش حاکمان ناصالح که از میراث اسلام واقعی عدول کرده بودند، متمرکز شود و حتی به جای تمرکز بر دشمن خارجی که در قالب استعمار اروپا و سپس صهیونیسم متجلی شده بود، «شیعه» را به عنوان دگر و دشمن اصلی برساخته کرده بود. آیت‌الله بروجردی رحمته‌الله علیه به وضعیت رابطه میان مذاهب اسلامی آگاهی داشت و دشمنان واقعی جهان اسلام را به خوبی می‌شناخت. ایشان همواره موضوع وحدت مسلمانان و تقریب مذاهب اسلامی را در کانون توجه خود داشت. ملاحظه اوضاع نابسامان مسلمانان، سیطره کفار بر کشورهای اسلامی و غلبه روحیه عداوت و بدبینی بین مسلمانان، مسائلی بودند که عزم ایشان را برای وحدت و همدلی مسلمانان راسخ‌تر کرد. وسعت اطلاعات آن مرجع نواندیش از منابع حدیثی، فقهی، رجالی و تاریخ اهل سنت، در کنار اشرف کاملش به منابع شیعی، به وی چنان قدرتی داده بود، که می‌توانست تشابهات و تفاوت‌های بین مذاهب را تحلیل کرده و در مقابل جریان دگرساز سلفی، اقدامات اساسی انجام دهد. اهمیت اقدامات اندیشه‌ها و اقدامات آیت‌الله بروجردی وقتی بیشتر مشخص می‌شود که بعدها جریان سلفی با تکفیر مسلمانان غیر سلفی و شیعیان به‌ویژه در دوره داعش، فجایعی علیه مسلمانان انجام داده و نیز تصویر کریه از اسلام را نمایش دادند.

گفتمان سلفی تکفیری، بخش عمده مسلمانان و به‌ویژه شیعه را به عنوان دشمن داخلی معرفی کرده و در چند قرن اخیر بسیار فعال بوده است. آیت‌الله بروجردی با شناخت جامع از سطوح دشمنان اسلام، رویکرد متفاوتی اتخاذ کردند. از یک طرف با نهادسازی و

کیفی سازی حوزه های علمیه ایران، نسل جدیدی را آموزش دادند که هم به علم روز دنیا مسلط بودند و هم با ارتباطات گسترده، با جهان خارج به دفاع از اسلام و تشیع پرداختند. از طرف دیگر، با خروج اندیشه و سازمان شیعه به خارج از حوزه های علمیه و ارتباط گیری با دنیا، در زمینه بین المللی سازی تشیع، اقدامات بلندمدتی انجام داد. در سطح خارجی نیز سلسله تلاش های علما را به گفتمان تقریب تبدیل کردند که راهکار عملیاتی واقع بینانه و بسیار کم هزینه درعین حال مفید برای جهان اسلام بود و شیعه را از یک گروه مغضوب به بخشی از جهان اسلام تبدیل کردند.

اگرچه موضوع تقریب مذاهب اسلامی موافقان و مخالفان درون مذهبی و درون دینی فراوانی داشته و دارد؛ اما اگر دال مرکزی تقریب مذاهب از نظر آیت‌الله بروجردی به خوبی استخراج شود، می توان نظر موافقان و مخالفان وی را بهتر ارزیابی کرد. چون هدف ایشان از تقریب مذاهب، ادغام عقیدتی آن ها نبود به این دلیل در دهه های بعد، مراجعی همچون امام خمینی موضوع تقریب مذاهب را تعقیب کردند و هفته وحدت را در این راستا مطرح کردند. اهمیت اقدامات نهادی و ساختاری آیت‌الله بروجردی در زمینه تقریب مذاهب اسلامی وقتی بیشتر نمایان شد که بعدها گفتمان سلفی تکفیری نه تنها علیه تشیع بلکه به کانون تهدیدی برای جهان اسلام تبدیل شد. جهان غرب این خرده گفتمان را مبنای تخصم خود با جهان اسلام قرار دارد و برای چندین دهه امنیت کشورهای اسلامی و حتی امنیت بین المللی وارد چالش های بزرگی شد و قدرت های خارجی هم به بهانه مقابله با این گفتمان به مداخله در جهان اسلام پرداختند.

تشکر و سپاسگذاری

بدین وسیله از تمام پژوهشگرانی که از مطالعات آن ها در این پژوهش استفاده شد، صمیمانه تشکر می کنم.

تعارض منافع

این مطالعه برای نویسنده هیچ گونه تضاد منافی نداشته است.

منابع مالی

این پژوهش هیچ گونه کمکی از سازمان های تأمین مالی عمومی، تجاری یا غیرانتفاعی دریافت نکرده است.

کتابنامه

- اباذری، عبدالرحیم (۱۳۸۹). طلایه داران تقریب ۱: آیت الله بروجردی آیت اخلاص. تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
- بزرگمهرنیا، عبدالحسین (۱۳۹۴). خوب‌تر از آفتاب فلک: خاطرات، کرامات و بیاناتی از فقیه اکبر حضرت آیت الله العظمی حاج آقا حسین طباطبایی بروجردی. تهران، سامان دانش.
- ابن تیمیه، شیخ الاسلام ابوالعباس احمد (۱۳۸۶). مختصر منهاج السنة. (احمد دبیری، مترجم). بی‌جا، سایت کتابخانه عقیده.
- بن عبدالوهاب، محمد (۱۳۹۲). کتاب التوحید. (اسحاق دبیری، مترجم). بی‌جا، سایت کتابخانه عقیده.
- تمری، محمدرضا (۱۳۸۷). شکوه شیعه: سیری در زندگانی و فعالیت‌های آیت الله العظمی بروجردی. تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۹). جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران ۱۳۲۰-۱۳۵۷. تهران، خانه کتاب.
- حسینی رودباری، سید مصطفی (۱۳۹۲). درآمدی بر فقه مقارن. نشریه حبل‌المتین، ۲ (۵)، ۷۷-۵۲.
- خسروشاهی، سید هادی (۱۳۹۲ الف). حرکت‌های اسلامی معاصر: استراتژی نظام و مسئله شیعه و سنی. قم، بوستان کتاب.
- خسروشاهی، سید هادی (۱۳۹۲ ب). اخوان المسلمین چه می‌گویند و چه می‌خواهند؟ قم، بوستان کتاب.
- خسروشاهی، سید هادی (۱۳۹۵). کودتا در مصر: اخوان المسلمین و سلفی‌ها. قم، کلبه شروق.
- دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی (۱۴۰۴). نشست تخصصی «تبارشناسی اندیشه‌های تقریبی آیت الله واعظ زاده» با حضور حجت الاسلام دکتر احمد مبلغی. <https://ar.mazaheb.ac.ir/fa/news/537/>
- دوانی، علی (۱۳۷۹). مفاخر اسلام: آیت الله العظمی بروجردی. تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- دوانی، علی (۱۳۸۲). خاطرات و مبارزات حجت الاسلام فلسفی. تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- دین‌پرست، منوچهر (۱۳۸۴). سلفی‌گری در لغت و اصطلاح. ماهنامه زمانه، ش ۳۳.
- رازی، محمد (۱۳۳۲). آثار الحجّه یا تاریخ و دایرة المعارف حوزه علمیه قم. ج ۲، قم، کتاب‌فروشی برقی.

- رضوانی، روح‌الله (۱۴۰۲). تاریخ سیاست خارجی ایران، ترجمه محسن اسلامی و زینب پزشکیان، تهران، نشر نی.
- سلطانی، علی‌اصغر (۱۳۹۴). قدرت، گفتمان، زبان: سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران. تهران، نشر نی.
- سلماسی، محمد شاکر (۱۳۹۳). ظرفیت‌ها و چالش‌های تقریب مذاهب اسلامی در لبنان. قم، نشر ادیان.
- عالمیان، عبدالرحمن (۱۳۹۰). رأیت‌دین: بررسی اندیشه و رفتار سیاسی آیت‌الله العظمی بروجردی. تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- عباس‌زاده فتح‌آبادی، مهدی (۱۳۹۳). بوکوحرام: فرقه اسلام‌گرای افراطی در نیجریه. اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۲۹۶، ۲۴-۳۵.
- علوی طباطبایی بروجردی، سید محمدجواد (۱۳۹۷). مبانی نظری تقریب. قم، مجد اسلام.
- علوی طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۴۱). خاطرات زندگانی آیت‌الله العظمی آقای بروجردی. قم، اطلاعات.
- غرسبان روزبهانی، مرتضی (۱۴۰۳). بازنمایی رویکردهای تبلیغات حوزوی در عصر آیت‌الله بروجردی. پژوهشنامه تبلیغ اسلامی، ۹ (۴)، ۶۸-۱۰۱.
- غفوری، مصطفی و دیگران (۱۴۰۲). رویکرد اعتقادی وهابیت نسبت به مسلمانان و نقش آن در عدم تقریب مذاهب. سلفی‌پژوهی، ۹ (۱۸)، ۱۰۹-۱۲۴.
- فاطمی‌نژاد، مجید (۱۳۹۳). نقد و بررسی تکفیر از دیدگاه سلفی وهابی و سلفی جهادی؛ در مجموعه مقالات اولین کنگره جهانی مخاطرات جریان‌های تکفیری، جلد ششم.
- فرمانیان، مهدی (۱۴۰۴). یک صد سال فراز و فرود تقریب مذاهب در حوزه علمیه قم. مرکز اسناد انقلاب اسلامی. <https://irdc.ir/fa/news/10261/>
- قریشی کرین، سید حسین؛ فلاحی، احمد حسین؛ یدالله خرم‌آبادی (۱۳۹۱). تطبیق اندیشه تقریب از منظر آیت‌الله خمینی و آیت‌الله بروجردی. پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ۵ (۲)، ۹۱-۱۱۰.
- کریمی، زهرا (۱۳۹۸). بررسی نقش آیت‌الله بروجردی در تقویت هویت سیاسی شیعی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه آیت‌الله بروجردی، دانشکده علوم انسانی.
- مجله حوزه (۱۳۷۰). ویژه‌نامه سی‌امین سال درگذشت آیت‌الله بروجردی. ش ۴۳ و ۴۴. <https://hawzah.net/fa/Magazine/View/4518/4546/>
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱). «آیت‌الله مصباح یزدی: نامزد انتخاباتی که اعتقاد به ولایت فقیه ندارد قابل اعتماد نیست». پایگاه اطلاع‌رسانی حضرت آیت‌الله مصباح یزدی.

<https://mesbahyazdi.ir/node/4342/>

مطهری، مرتضی (۱۳۶۴). امامت و رهبری. تهران، صدرا.
 مطهری، مرتضی (۱۳۶۸). تکامل اجتماعی انسان. به ضمیمه هدف زندگی الهامی از
 شیخ الطائفه و مزایا و خدمات مرحوم آیت‌الله بروجردی. تهران، صدرا.
 نظری، محمد (۱۳۹۸). بررسی اندیشه وحدت و تقریب از منظر مقام معظم رهبری و آیت‌الله
 بروجردی. اسلام‌پژوهان، ۶ (۱۰)، ۱۰۳-۱۱۲.

واعظ زاده خراسانی، محمد (بی تا). فقه مقارن و تقریب مذاهب در نگاه آیت‌الله بروجردی. مرکز
 دائرة المعارف بزرگ اسلامی <https://www.cgie.org.ir/popup/fa/system/contentprint/4678>.

Abāzarī, ‘Abd al-Raḥīm (2010). *Ṭalāyadārān-e Taqrīb 1: Āyatollāh Borūjerdī, Āyat-e Ikhilāṣ*
 [The Pioneers of Taqrīb 1: Ayatollah Boroujerdi, the Sign of Sincerity]. Tehran: Majma‘
 Jahānī-ye Taqrīb-e Mazāheb-e Eslāmī.

Abbāsẓādeh Faṭḥābādī, Mahdī (2014). Boko Haram: Ferqeh-ye Eslāmgarā-ye Efrāṭī dar
 Nījīrīyeh [Boko Haram: Extremist Islamist Sect in Nigeria]. *Etṭilā‘āt-e Sīyāsī —
 Eqteṣādī*, No. 296, 24–35.

Ālamīyān, ‘Abd al-Raḥmān (2011). *Ra’aytu al-Dīn: Barresī-ye Andīsheh va Raftār-e Sīyāsī-
 ye Āyatollāh al-‘Uẓmā Borūjerdī* [I Saw Religion: A Study of the Political Thought and
 Behavior of Grand Ayatollah Boroujerdi]. Tehran: Markaz-e Asnād-e Enqelāb-e Eslāmī.

Alavī Ṭabāṭabā’ī Borūjerdī, Sayyid Muḥammad Javād (2018). *Mabānī-ye Nazari-ye Taqrīb*
 [Theoretical Foundations of Taqrīb]. Qom: Majd-e Eslām.

Alavī Ṭabāṭabā’ī, Sayyid Muḥammad Ḥusayn (1962). *Khāṭirāt-e Zindagānī-ye Āyatollāh al-
 ‘Uẓmā Āqā-ye Borūjerdī* [Memoirs of the Life of Grand Ayatollah Mr. Boroujerdi]. Qom:
 Etṭilā‘āt.

Blin, Louis (2024). Post-Islamism in the Arab Gulf States: A shift from Salafism to Islamic
 humanism. <https://blogs.eui.eu/medirections/post-islamism-in-the-arab-gulf-states-a-shift-from-salafism-to-islamic-humanism/>

Blin, Louis (2024). Post-Islamism in the Arab Gulf States: A shift from Salafism to Islamic
 humanism. Retrieved from: <https://blogs.eui.eu/medirections/post-islamism-in-the-arab-gulf-states-a-shift-from-salafism-to-islamic-humanism/>

Bozorgmehrmīyā, ‘Abd al-Ḥusayn (2015 CE [1394 SH]). *Khubtar az Āftāb-e Falak: Khāṭirāt,
 Karāmāt va Bayānātī az Faqīh-e Akbar Ḥaẓrat Āyatollāh al-‘Uẓmā Ḥājj Āqā Ḥusayn

Ṭabāṭabā'ī Borūjerdī* [Better than the Sun of the Sky: Memoirs, Miracles and Statements of the Greatest Jurist Grand Ayatollah Haj Aqa Hossein Tabatabai Boroujerdi]. Tehran: Sāmān-e Dānesh.

Dānishgāh-e Bayn al-Milālī-ye Mazāheb-e Eslāmī [International University of Islamic Denominations] (2025 CE [1404 SH]). Neshast-e Takhaṣṣuṣī "Tabarīshenāsī-ye Andīsheh-hā-ye Taqrībī-ye Āyatollāh Vā'izzādeh" bā Ḥuḍūr-e Ḥujjat al-Islām Dr. Aḥmad Moballeghī [Specialized Session "Genealogy of Ayatollah Vaezadeh's Taqrib Thoughts" with the presence of Hujjat al-Islam Dr. Ahmad Moballeghi]. Retrieved from: <https://ar.mazaheb.ac.ir/fa/news/537/>

Davānī, 'Alī (2000 CE [1379 SH]). *Mafākher-e Eslām: Āyatollāh al-'Uzmā Borūjerdī* [Great Personalities of Islam: Grand Ayatollah Boroujerdi]. Tehran: Markaz-e Asnād-e Enqelāb-e Eslāmī.

Davānī, 'Alī (2003). *Khāṭirāt va Mobārazāt-e Ḥujjat al-Islām Falsafī* [Memoirs and Struggles of Hujjat al-Islam Falsafi]. Tehran: Markaz-e Asnād-e Enqelāb-e Eslāmī.

Dīnparast, Manūchīhr (2005). Salafīgarī dar Lughat va Eṣṭilāḥ [Salafism in Language and Terminology]. *Māhnāmeḥ-ye Zamāneh*, No. 33.

Farmāniyān, Mahdī (2025). Yek Ṣad Sāl Farāz o Forūd-e Taqrīb-e Mazāheb dar Ḥawzeh-ye 'Elmīyeh-ye Qom [One Hundred Years of Rise and Fall of Taqrib in Qom Seminary]. Markaz-e Asnād-e Enqelāb-e Eslāmī. Retrieved from: <https://irdc.ir/fa/news/10261/>

Fāṭemīnezhād, Majīd (2014). Naqd va Barresī-ye Takfīr az Dīdgāh-e Salafī-ye Wahhābī va Salafī-ye Jihādī [Critique and Examination of Takfir from the Perspective of Wahhabi Salafism and Jihadi Salafism]. In *Majmū'eh-ye Maqālāt-e Avvalīn Kongreh-ye Jahānī-ye Mukhāṭirāt-e Jaryān-hā-ye Takfīrī* [Proceedings of the First World Congress on the Dangers of Takfiri Currents], Vol. 6.

Ghafūrī, Muṣṭafā et al. (2023). Rūykard-e E'teqādī-ye Wahhābiyyat nesbat be Mosalmānān va Naqsh-e Ān dar 'Adam-e Taqrīb-e Mazāheb [The Wahhabi Doctrinal Approach towards Muslims and Its Role in the Lack of Taqrib]. *Salafī-Pazhūhī*, 9(18), 109–124.

Gharsabān Rūzbehānī, Murtaḍā (2024). Bāzshenāsī-ye Rūykard-hā-ye Tablīghāt-e Ḥowzavī dar 'Aṣr-e Āyatollāh Borūjerdī [Revisiting the Approaches of Seminary Propaganda in the Era of Ayatollah Boroujerdi]. *Pazhūheshnāmeḥ-ye Tablīgh-e Eslāmī*, 9(4), 68–101.

- Husaynī Rūdbārī, Sayyid Muṣṭafā (2013). Darāmādī bar Feqh-e Muqārīn [An Introduction to Comparative Jurisprudence]. *Ḥabl al-Mafīn*, 2(5), 52–77.
- Ibn ‘Abd al-Wahhāb, Muḥammad (2013). *Kitāb al-Tawḥīd* [The Book of Monotheism]. (Ishāq Dabīrī, Trans.). n.p.: Library of ‘Aqīdah website.
- Ibn Taymiyyah, Shaykh al-Islām Abū al-‘Abbās Aḥmad (2007). *Mukhtaṣar Minhāj al-Sunnah* [Abridgment of the Path of Sunnah]. (Aḥmad Dabīrī, Trans.). n.p.: Library of ‘Aqīdah website.
- Ja’fariyān, Rasūl (2010). *Jaryān-hā va Sāzmān-hā-ye Mazhabī — Siyāsī-ye Irān 1320–1357* [Religious-Political Currents and Organizations in Iran 1941–1979]. Tehran: Khāneh-ye Ketāb.
- Khusrawshāhī, Sayyid Hādī (2013a). *Ḥarakathā-ye Eslāmī-ye Mu’āṣir: Estirātīzī-ye Nezām va Mas’aleh-ye Shī’ah va Sunnī* [Contemporary Islamic Movements: Strategy of the System and the Shi’a-Sunni Issue]. Qom: Būstān-e Ketāb.
- Karīmī, Zahrā (2019). *Barresī-ye Naqsh-e Āyatollāh Borūjerdī dar Taqvīyat-e Hovīyat-e Siyāsī-ye Shī’ī* [Investigating the Role of Ayatollah Boroujerdi in Strengthening Shiite Political Identity]. Master’s thesis in Political Science, Ayatollah Boroujerdi University, Faculty of Humanities.
- Khusrawshāhī, Sayyid Hādī (2013b). *Ikhwān al-Muslimīn cheh Mīgūyand va cheh Mīkhwāhand?* [What Do the Muslim Brotherhood Say and What Do They Want?]. Qom: Būstān-e Ketāb.
- Khusrawshāhī, Sayyid Hādī (2016). *Kūdetā dar Miṣr: Ikhwān al-Muslimīn va Salafī-hā* [Coup in Egypt: The Muslim Brotherhood and Salafists]. Qom: Kolbeh-ye Shorūq.
- Majalleh-ye Ḥawzeh (1991). Vīzhehnāmeḥ-ye Sī Amīn-e Sāl-e Darghosht-e Āyatollāh Borūjerdī [Special Issue on the 30th Anniversary of Ayatollah Boroujerdi’s Death]. Nos. 43 Retrieved from: <https://hawzah.net/fa/Magazine/View/4518/4546/>
- Miṣbāḥ Yazdī, Muḥammad Taqī (2012). "Āyatollāh Miṣbāḥ Yazdī: Nāmzad-e Entekhābātī keh E’teqād be Velāyat-e Faqīh nadārad Qābel-e E’temād nīst" [Ayatollah Mesbah Yazdi: An electoral candidate who does not believe in Velayat-e Faqih is not trustworthy]. *Pāyghāh-e Etḥilā’resānī-ye Ḥazrat Āyatollāh Miṣbāḥ Yazdī*. Retrieved from: <https://mesbahyazdi.ir/node/4342/>

- Mottahedeh, Roy (1985). **The mantle of the prophet: Religion and politics in Iran**. New York: Simon & Schuster.
- Muṭahharī, Murtaḍā (1985). **Imāmat va Rahbarī** [Imamate and Leadership]. Tehran: Ṣadrā.
- Muṭahharī, Murtaḍā (1989). **Takāmul-e Ejtemā'ī-ye Ensān** [Social Evolution of Man]. Appendix: Hadaf-e Zindagī Elhāmī az Shaykh al-Ṭā'ifāh va Mazāyā va Khedmāt-e Marḥūm Āyatollāh Borūjerdī [Goal of Life Inspired by Shaykh al-Ta'ifah and the Merits and Services of the Late Ayatollah Boroujerdi]. Tehran: Ṣadrā.
- Naẓarī, Muḥammad (2019). Barresī-ye Andīsheh-ye Vaḥdat va Taqrīb az Manẓar-e Maqām-e Mu'azzam-e Rahbarī va Āyatollāh Borūjerdī [A Study of the Thought of Unity and Taqrib from the Perspective of the Supreme Leader and Ayatollah Boroujerdi]. **Eslām-Pazhūhān**, 6(10), 103–112.
- Qorīshī Karīn, Sayyid Ḥusayn; Fallāḥī, Aḥmad Ḥusayn; & Yadollāh Khorramābādī (2012). Taṭbīq-e Andīsheh-ye Taqrīb az Manẓar-e Āyatollāh Khomeynī va Āyatollāh Borūjerdī [A Comparative Study of Taqrib Thought from the Perspective of Ayatollah Khomeini and Ayatollah Boroujerdi]. **Pazhūheshnāmeḥ-ye Enqelāb-e Eslāmī**, 5(2), 91–110.
- Ramazānī, Rūḥ Allāh (2023 CE [1402 SH]). **Tārīkh-e Sīyāsāt-e Khārejī-ye Īrān** [History of Iran's Foreign Policy]. (Muḥsen Eslāmī & Zeynab Pezeshkiyān, Trans.). Tehran: Nashr-e Ney.
- Rāzī, Muḥammad (1953 CE [1332 SH]). **Āthār al-Ḥujjah yā Tārīkh va Dā'irat al-Ma'ārif-e Ḥawzeh-ye 'Elmīyeh-ye Qom** [The Works of al-Hujjah or History and Encyclopedia of Qom Seminary]. Vol. 2. Qom: Ketābfurūshī-ye Barqa'ī.
- Salmāsī, Muḥammad Shākīr (2014). **Zarfīyat-hā va Chālīsh-hā-ye Taqrīb-e Mazāheb-e Eslāmī dar Lobnān** [Capacities and Challenges of Islamic Denominations' Taqrib in Lebanon]. Qom: Nashr-e Adyān.
- Stoker, G. & Marsh, D. (2005). *Theory and methods in political science*. Translated into Persian by Amir Mohammad Haji-Yousefi, Tehran, Strategic Studies Research Center.
- Stoker, G., & Marsh, D. (2005). **Theory and methods in political science**. (Amir Mohammad Haji-Yousefi, Trans.). Tehran: Strategic Studies Research Center. (Original work published 2005).
- Sultānī, 'Alī Aṣghar (2015 CE [1394 SH]). **Qodrat, Gofemān, Zabān: Sāzūkār-hā-ye Jaryān-*

e Qodrat dar Jomhūrī-ye Eslāmī-ye Īrān* [Power, Discourse, Language: Mechanisms of Power Flow in the Islamic Republic of Iran]. Tehran: Ney.

Tamarī, Muḥammad Riḍā (2008). *Shokūh-e Shī'ah: Sayrī dar Zindagānī va Fa'āliyyat-hā-ye Āyatollāh al-'Uḏmā Borūjerdī* [The Glory of Shi'ism: A Journey in the Life and Activities of Grand Ayatollah Boroujerdi]. Tehran: Markaz-e Asnād-e Enqelāb-e Eslāmī.

Vā'izzādeh Khorāsānī, Muḥammad (n.d. [bi-tā]). Feqh-e Muqārin va Taqrib-e Mazāheb dar Nega'h-e Āyatollāh Borūjerdī [Comparative Jurisprudence and Taqrib of Denominations in the View of Ayatollah Boroujerdi]. *Markaz-e Dā'irat al-Ma'ārif-e Bozorg-e Eslāmī*.

Retrieved from: <https://www.cgie.org.ir/popup/fa/system/contentprint/4678>